



موانع رشد جامعه‌شناسی در ایران

گفتگو با دکتر وثوقی

دانشگاه انقلاب: از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و در این گفتگو شرکت فرمودید سپاسگزاریم. موضوع بحث ما در این شماره نشریه، بررسی «وضعیت جامعه‌شناسی در ایران» است. برخی از ابعاد این مسأله را در جلسات دیگری با حضور گروهی از اساتید و متفکران علوم اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم. اینک مناسب است پاره‌ای از مسائل را که مربوط به جنبه کاربردی این موضوع است در حضور شما مطرح کنیم. بنابراین خوب است که ابتدا از سیر مطالعات اجتماعی در ایران معاصر و مشکلات و موانع موجود بر سر راه آن ارزیابی به عمل آورید.



دکتر وثوقی: متشکرم از اینکه به جامعه‌شناسی، که در ایران غریب افتاده، توجه کرده‌اید. این امر سبب می‌شود که بحث و جدلی رخ دهد و موجب پیشرفت این علوم در ایران گردد، البته به شرط اینکه ادامه پیدا کند. در مورد جامعه‌شناسی در ایران باید گفت که این علم، علم جدیدی است که سابقه آن در کشور ما به ۳۵ تا ۴۰ سال قبل می‌رسد، که ابتدا تحت عنوان «علم الاجتماع» و بعد توسط شادروان دکتر صدیقی به نام «جامعه‌شناسی» به عنوان رشته جدیدی در دانشکده ادبیات مطرح شده؛ و بعدها هم دانشکده علوم اجتماعی با رشته‌های مختلف تأسیس شد. (البته باید توجه کرد پیشرفت علمی با پژوهشهایی که در هر رشته علمی صورت می‌گیرد

پژوهشگاه علوم

رتال جا

پیشرفت جامعه‌شناسی

ن ادیان و مسائل اجتماعی

پژوهشگاه علوم

و به همراهی مباحث تئوریک (نظری)، می‌تواند مباحث هر رشته را بارورتر و غنی‌تر کند.

در ایران، در حدود سال ۱۳۳۷ مؤسسه‌ای به نام «مؤسسه تحقیقات اجتماعی» در دانشگاه تهران تأسیس شد که در مراحل اولیه به یک سری کارهای تحقیقاتی در شاخه‌های گوناگون رشته جامعه‌شناسی از جمله جامعه‌شناسی روستایی و همچنین جمعیت‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر پرداخته و برای شروع کار بد نبوده، اما بعد از آن، این تحقیقات دچار وقفه و سکون شده (حال آنکه باید از حالت توصیفی به حالت تحلیلی برسد). امروز یکی از مشکلاتی که با آن روبرو هستیم، سکون، وقفه، و رکودی است که در پژوهش‌های علوم اجتماعی داریم؛ و البته اگر بخواهیم علل این ضعف پژوهش را هم مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم بطور خلاصه می‌توان گفت که یکی عدم توجه به پژوهش در رشته علوم است که متأسفانه در کنار دانشکده‌ها یا در درون آنها، موسسات فعال پژوهشی وجود نداشته و از بابت هزینه‌های تحقیق هم، بودجه قابل توجهی در اختیار نداشته‌اند. من فکر می‌کنم که از ابتدا به مسأله پژوهش در علوم اجتماعی توجه کمتری معطوف شده و این مسأله جدی تلقی نشده است.

دانشگاه انقلاب: در مرحله دوم، گذشته از کمبود مؤسسات پژوهشی، چه می‌توان گفت؟ علت دیگر چیست؟

دکتر وثوقی: علت دیگر این است که ما در امر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی-اجتماعی پژوهشی در ایران، هنوز ضعیف عمل می‌کنیم. به هنگام

طرح هر برنامه باید تحقیق و پژوهش مربوط به آن، انجام شده باشد و بعد از پژوهش، برنامه به مرحله اجرا درآید. باید بسیاری از برنامه‌هایی که در دست انجام داریم، برای مرحله پژوهش به دانشگاه‌ها و گذار کنیم. البته در سطح جامعه تعدادی مهندس مشاور هستند که طرح‌هایی به نام طرح‌های جامع استانها پیشنهاد داده‌اند که بخشی از این طرح‌های جامع به ساختار اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی استانها مربوط می‌شود؛ ولی این طرح‌ها تا حدودی جنبه تجارتي پیدا کرده و از حالت آکادمیک بیرون آمده‌اند.

گذشته از عللی که ذکر شد، عدم توجه به پژوهش در ایران (بخصوص در زمینه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی) از اهم مسائلی است که مؤسسات تحقیقاتی و دانشکده‌های علوم اجتماعی ما به آن دچار شده‌اند.

دانشگاه انقلاب: آیا روحیه

پژوهش از ناحیه خود معلمین این فن در سطح دانشگاه‌ها ارائه نمی‌شود، یا مشکلات مالی مانع پیشرفت امر تحقیقات است یا به طور کلی این نوع تفکر است که در دانشگاه‌ها بیشتر به پژوهش‌های نظری توجه می‌شود؟ آیا این هم می‌تواند یکی از عوامل باشد؟

دکتر وثوقی: البته نبودن امکانات، بویژه امکانات پژوهشی موجب می‌شود که استادان، بیشتر هم و غم خود را به مسائل نظری معطوف کنند؛ یعنی فی‌المثل در زمینه جامعه‌شناسی روستایی که یکی از شاخه‌های نسبتاً مهم

موضوع ریشه جامعه‌شناسی در ایران

دانشگاه انقلاب: لطفاً در مورد اهمیت جامعه‌شناسی روستایی

توضیحاتی بیان بفرمائید؟

دکتر وثوقی: البته من جامعه‌شناسی روستایی را به عنوان یکی از شاخه‌های مهم جامعه‌شناسی مطرح کردم، ولی باید گفت که در رشته‌های علوم اجتماعی شاخه‌های دیگری هم داریم که امروزه در ارتباط با توسعه اقتصادی-اجتماعی مملکت می‌توانیم از آنها کاملاً استفاده کنیم. البته با توجه به

● اگر بخواهیم جلوی بسیاری از نابهنجاریهای اجتماعی مثل اعتیاد یا چیزهای شبیه به آن را بگیریم باید اشتغال ایجاد کنیم.

اینکه بخش عظیمی از جمعیت ما در روستاها زندگی می‌کنند و امروز ما در صدد این هستیم که تحولاتی عمیق در جامعه روستایی پدید بیاوریم، این رشته، رشته‌ای است که می‌تواند به صورت کاربردی، در زمینه‌های مختلف، مشکلات و مسائل جامعه‌های روستایی ایران را مورد مطالعه قرار دهد و علل و عوامل رکود و نارساییها را بازگو کند. متأسفانه در این زمینه هم ما گرفتار برخی مشکلات هستیم. به عنوان نمونه اشاره می‌کنم به مبلغی که یک محقق در دانشگاه به عنوان حق مأموریت روزانه، زمانی که از تهران خارج می‌شود (برای مطالعه در یکی از مناطق ایران) دریافت می‌کند این مبلغ تا یکی دو سال پیش در حدود ۳۰۰۰ ریال بود و سپس به مبلغ ۴۵۰۰ ریال

جامعه‌شناسی است، زمانی که وسایل یا امکانات پژوهشی نداشته باشیم یعنی زمانی که نتوانیم تعدادی از دانشجویان را با در اختیار گرفتن امکانات به روستاها ببریم و آنها را به کارهای پژوهشی مقدماتی یا تمرینی واداریم و نتوانیم روستاها را از نزدیک به آنها نشان دهیم و کارهایی از این قبیل، استادان خودبخود نظرشان به این معطوف می‌شود که در کلاس پاره‌ای مطالب نظری در مورد روستاهای ایران و جامعه روستایی و تحولات آن مطرح کنند و قضیه را به همین جا ختم کنند؛ و گرنه ما همین تعداد واحدی که مثلاً در درس جامعه‌شناسی روستایی تدریس می‌کنیم، نیمی از این تعداد واحد را، باید در میدان آزمایش صرف پژوهش کنیم؛ باید در روستاها، در مناطق

● امروزه مسأله افزایش جمعیت، مشکل گسترده پدیده خوش‌نشینی در روستاها، مسأله عدم اشتغال و مسأله مهاجرتهای روستائیان به شهرها مطرح است.

عشایری و غیره پایگاهها و ایستگاههایی داشته باشیم که بتوانیم دانشجویان را از نزدیک با واقعیتها و با امکانات جامعه روستایی کشور و با برنامه‌هایی که می‌خواهیم در آینده برای روستاها اجرا کنیم آشنا کنیم. خلاصه می‌کنم؛ عامل عدم امکانات است که استادان را وادار می‌کند به اینکه در زمینه‌های مختلف جامعه‌شناسی نیرویشان را فقط صرف مطالب نظری کنند.

به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند. به عبارت دیگر پژوهش، مکمل آموزش است و به کمک یافته‌های پژوهش است که استاد می‌تواند مباحث تدریس خود را غنی کند.

دانشگاه انقلاب: آقای دکتر، این حرف متین و معقولی است که در امر پژوهش، خصوصاً برای پژوهشهای گسترده امور مالی بسیار با اهمیت است، اما اگر بخواهیم سرنوشت این پژوهشها را فقط به مسائل مالی گره بزنیم آن وقت یک دسته مشکلات خاص خودش را هم به دنبال دارد، زیرا نهادی که مسائل مالی یک مؤسسه پژوهشهای اجتماعی را حل می‌کند، به هر حال به نوعی به پژوهشهای اجتماعی خط خواهد داد و آنها را به جهت‌گیریهای ویژه‌ای وادار خواهد کرد، این مشکلی بوده که در غرب هم پژوهندگان راستین اجتماعی داشته‌اند و کسانی هم سعی کرده‌اند که به نحوی این گره را باز کنند و بدون اینکه حتماً نهادی بیاید و مسائل مالی را حل کند تحقیقات انجام شود؛ در این زمینه چه راه حلی دارید؟

دکتر وثوقی: این سؤاله دقیقاً در غرب مطرح است؛ زیرا در غرب مؤسسات سرمایه‌داری خصوصی قدرتمندی وجود دارند که در حقیقت پژوهشگران اجتماعی را می‌خرند. حتی بعضی

افزایش یافت و گویا به تازگی بیشتر شده است و خودتان قضاوت کنید که با این مبلغ بسیار کم چگونه می‌توان کارهای تحقیقاتی دقیق و عمیقی انجام داد؛ گو اینکه دانشجویان و استادان مشتاق به کار و تحقیق هستند و مسائل اقتصادی و مالی در مرحله دوم اهمیت قرار دارد، اما در هر صورت رغبت چندانی در بین تکنیسین‌ها، پرسشگران و محققان به وجود نمی‌آید که به مناطق روستایی اعزام شوند و کار پرسشگری یا جمع‌آوری اطلاعات را به عهده بگیرند.

مسئله دیگر این است که به نظر من مؤسسات تحقیقاتی باید از استقلال مالی برخوردار شوند؛ یعنی یک مؤسسه تحقیقاتی باید از استقلالی برخوردار باشد که بتواند هر گروهی را در هر زمانی که خواست به روستاها یا به مناطق دوردست اعزام کند، وسیله نقلیه در اختیارش قرار بگیرد، محققان را از نظر درآمد راضی نگهدارد تا ما بتوانیم در زمینه جامعه‌شناسی شاهد نتایج عملی پربراری باشیم. تاکنون به مطالعات اجتماعی از نظر مالی اهمیت کمتری داده شده. البته این یک بعد قضیه است، بعد دیگر امروز اشتغال بیش از حد استادان است به امر تدریس و این باعث شده که آنان وقت کمتری را به پژوهش اختصاص دهند. بنابراین، برای اینکه بتوانیم استادان را به سمت پژوهش بکشانیم باید امکانات مالی را در این قسمت قوی کنیم و بتدریج مقداری از وقت استادان را به کار پژوهش اختصاص دهیم. تنها از این طریق است که رشته‌های علوم اجتماعی در ایران می‌توانند پر بار و پر معنا و غنی شوند و گرنه ترجمه کتب و مقالات از زبانهای خارجی به فارسی

● امروز جامعه‌شناسی در ایران می‌تواند به صورت یک علم کاربردی، یا به صورت یک ابزار در جهت عمران، آبادی و توسعه اقتصادی-اجتماعی مملکت مفید واقع شود.

جامعه‌شناسان راستین، که کم و بیش در غرب وجود دارند، به مقابله با این تفکر و طرز عمل برخاسته‌اند مثل سی‌رایت میلز که در جامعه‌شناسی آمریکا معروف است. در مقابل، جامعه‌شناسان فونکسیونالیسمی که به اصطلاح بیشتر در راستای نظام سرمایه‌داری کار می‌کردند قرار دارند. خوشبختانه در ایران ما کمتر با چنین مسأله‌ای روبرو هستیم و اگر هم تحقیقاتی قرار است به دانشگاهها واگذار شود بیشتر از جانب بخش دولتی و برای اجرای بعضی طرح‌هاست و اگر هم بخش خصوصی کار تحقیقاتی داشته باشد، دانشگاه می‌تواند خودش را کاملاً از این مسأله برکنار نگهدارد. جامعه ما چنین تفکری را نمی‌پذیرد و محققان ما براحتمی می‌توانند خودشان را از چنین گرفتاریهایی برکنار نگهدارند. امروز جامعه‌شناسی در ایران می‌تواند به صورت یک علم کاربردی، یا به صورت یک ابزار در جهت عمران، آبادی و توسعه اقتصادی-اجتماعی مملکت مفید واقع شود. در غالب موارد امروز طرح‌هایی که به مشاورین دفاتر مشاوره‌ای که در تمام نقاط ایران هست واگذار می‌شود، از جانب بخش دولتی است، از

جانب سازمانهای گوناگون است، از جانب وزارتخانه‌هاست و طبعاً وزارتخانه‌ها در جمهوری اسلامی ایران از محققین چنین تقاضایی نمی‌کنند و چنین توقمی هم ندارند که ما نتایج تحقیقات را به شکلی درآوریم که مورد رضای آنها باشد. این مسأله درست است، اما به جامعه غرب مربوط می‌شود و خوشبختانه ما گرفتار چنین مسأله‌ای نیستیم.

دانشگاه انقلاب: یک سؤال دیگر که فکر می‌کنم به مطالبی که شما فرمودید مربوط است این است که آیا همین موانعی که فرمودید بر سر راه پژوهشهای اجتماعی قرار دارد سبب شده که ما بیشتر به کار ترجمه و اقتباس بپردازیم و فقط افکار صاحب‌نظران غربی را انتشار دهیم و کمتر به نوآوری روی آوریم یا اینکه رکود نوآوری در علوم اجتماعی ما علل دیگری هم داشته است؟

دکتر وثوقی: یکی از دلایل همین مشکلاتی است که در امر پژوهش بوده، و گرنه ما محققانی داشته و داریم که اینها به کار پژوهش بسیار علاقه‌مندند. ما در ایران محققانی داریم که با

● پیشرفت علمی با پژوهشهایی که در هر رشته علمی صورت می‌گیرد ارتباط دارد و به همراهی مباحث نظری می‌تواند مباحث هر رشته را بارورتر و غنی‌تر کند.

حداقل راضی هستند و هنوز کارهای قابل توجهی در زمینه مسائل اجتماعی ایران انجام می‌دهند. اما کسانی که به کار ترجمه می‌پردازند با توجه به ضعف مسائل نظری در ایران از طرفی، و با توجه به مشکلات امر تحقیق از طرف دیگر، کار ترجمه را ترجیح می‌دهند؛ و برایشان آسانتر است که به کار ترجمه بپردازند تا اینکه به پژوهش دست بزنند؛ - بخصوص پژوهشهای میدانی که با مشکلات زیادی مواجه شوند... از جمله مشکل جمع‌آوری اطلاعات در مناطق مختلف روستایی، نبودن امکانات و غیره؛ طبعاً ترجمه یک کتاب با اینکه وقت بسیاری می‌گیرد اما این مشکلات را ندارد و برای محققى که در خانه خودش می‌نشیند و به ترجمه کتاب می‌پردازد آسانتر است و در آینده باید با روشهایی وقت اضافی استادان را به سمت مطالعات و تحقیقاتی که واقعاً مملکت به آن نیاز دارد سوق دهیم و حیف است که این نیروها فقط صرف ترجمه مقاله یا ترجمه کتاب شود؛ گو اینکه آن ترجمه‌ها هم مفید است، ولی هنوز معضلات بسیار زیادی بویژه در بخش جامعه‌شناسی و روستایی داریم که اینها حل نشده است و سازمانهای دولتی محتاج مؤسسات تحقیقاتی هستند که مشکلات را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و نتایج مطلوبی به دست آورند تا آنها بر اساس آن نتایج بتوانند برنامه‌ریزیهای لازم را انجام دهند.

امروزه مسأله افزایش جمعیت، مشکل گسترش پدیده خوش‌نشینی در روستاها و مسأله عدم اشتغال، مسأله مهاجرهای روستاییان به شهرها مطرح است. در آینده ما با مشکلات عظیمتری

مواجه خواهیم شد؛ طبق پیش‌بینی‌هایی که در جمعیت‌شناسی انجام شده، ما تا سال ۱۴۰۰ هجری شمسی در ایران شاید جمعیتی در حدود ۱۴۰ میلیون نفر (با چیزی در همین حدود) داشته باشیم؛ و از این جمعیت بنابر تخمینهایی که زده شده، شاید نزدیک به ۱۱۰ تا ۱۱۵ میلیون نفر در شهرها زندگی می‌کنند و همه آنها ما را با مشکلات بزرگی مواجه خواهد کرد که احتیاج به پژوهش دارد. در حقیقت خود پیدایش رشته جامعه‌شناسی

● **مؤسسات تحقیقاتی باید از استقلال مالی برخوردار شوند، یعنی یک مؤسسه تحقیقاتی باید از استقلال مالی برخوردار باشد که بتواند هر گروهی را در هر زمانی که خواست به روستاها یا به مناطق دوردست اعزام کند، وسیله نقلیه در اختیارش قرار بگیرد. محققان را از نظر درآمد راضی نگهدارد، تا ما بتوانیم در زمینه جامعه‌شناسی شاهد نتایج علمی پرباری باشیم.**

در غرب هم مقارن بوده با مشکلات جامعه صنعتی، بویژه مشکلات شهرنشینی که امروز ما به شکل بسیار وسیعی در مقابل خودمان داریم. از جمله، مسأله جوانان و نوجوانان و انحرافات آنها و نیازهایی که دارند و مسائل مربوط به اوقات فراغت آنها و غیره؛ یعنی ما در مجموع هم در روستا و هم

در شهر با مسائل عمده‌ای روبرو هستیم و امروز لازم است که بخشهای تحقیقاتی ما پربار و فعال و قوی شوند و امید است با بودجه‌ای قابل توجه بتوانیم این مراکز و بخشهای نیمه فعال را به کار بیندازیم.

دانشگاه انقلاب: به نظر شما در خصوص جوانان، چه مطالعاتی در حیطه علوم اجتماعی و خصوصاً جامعه‌شناسی لازم است انجام گیرد؟

دکتر وثوقی: در مورد جوانان، فکر می‌کنم که ما در آینده به ایجاد شعبه یا رشته جدیدی در علوم اجتماعی احتیاج خواهیم داشت به نام «جامعه‌شناسی جوانان». (با توجه به ابعدادی که این مسأله در آینده خواهد داشت، بویژه در شهرها.) امروز مشکل جوانان مطرح می‌شود و بحمدالله مسئولین هم توجه خود را به این مسائل معطوف کرده‌اند. مسائل اوقات فراغت جوانان، اشتغال جوانان، و احتمالاً نابهنجاریهایی که مربوط به سنین نوجوانی و جوانی می‌شود ایجاب می‌کند که ما بخشی از نیروها و فعالیتهای خودمان را در مورد جامعه‌شناسی جوانان به کار بیندازیم و قبل از اینکه این مشکل به صورت یک معضل بزرگ درآید و بتوانیم آن را حل کنیم در این باره تحقیق کرده باشیم و برای این مسائل راه‌حلهایی ارائه داده باشیم.

در حقیقت من گاهی فکر می‌کنم که مسأله جوانان، مثل غولی است که هنوز از شیشه درنیامده است. این مسأله در ایران با توجه به حجم جمعیتی که در سال ۱۴۰۰ خواهیم داشت و با توجه به

جوانی جمعیت ایران بسیار حائز اهمیت است. شاید مثلاً در سال ۱۴۰۰ چیزی نزدیک به ۷۰ تا ۸۰ میلیون نفر جمعیت زیر ۲۰ سال داشته باشیم، کما اینکه امروز هم که حدود ۶۰ میلیون نفر جمعیت داریم، رقمی بالاتر از ۳۰ میلیون نفر زیر ۲۰ سال داریم. اینها همه ایجاب می‌کند که با دقت بیشتر به این مسأله نگاه کنیم و مراکز تفریحی، علمی، و رفاهی بیشتری برای جوانان آماده کنیم. در تهران به این عظمت که شامل ۲۰ منطقه است، ما در حال حاضر باید در هر منطقه حداقل یک مجتمع عظیم رفاهی و تفریحی برای جوانان داشته باشیم. در هر منطقه که جوانان بنا به ذوق و شوق خود تفریحات سالم یا ورزشهای ویژه‌ای را دوست دارند، باید بتوانند از امکانات این مراکز استفاده کنند؛ چه دختر، چه پسر، ما باید برای هر گروه یک چنین مجتمعهای عظیمی را در مناطق داشته باشیم. البته برنامه‌هایی که در تلویزیون یا در رادیو برای جوانان اجرا می‌شود خوب است ولی کافی نیست.

ما باید به نیازها و مشکلات جوانان، عملاً جواب دهیم. در غیر این صورت این مشکلات بتدریج روی هم انباشته می‌شود در دو سه دهه آینده با جمعیت عظیمی که هیچگونه رفاه، آسایش، و یا مکان تفریحی ندارد روبرو خواهیم شد و در چنین وضعی تمام مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی مملکت تحت‌الشعاع مشکل جوانان قرار خواهد گرفت. یعنی در واقع دهها برابر آنچه الان در مورد مشکلات جوانان سرمایه‌گذاری می‌شود باید برای جوانان سرمایه‌گذاری شود. در همین راستا بخشهای

دبیرستانها و دانشگاههای موجود برای کلیه کسانی که خواستار ورود به دبیرستان و دوران عالی تحصیلات هستند کافی نیست. یک مشکل دیگر مشکل اشتغال است که هم در جامعه روستایی با آن مواجه هستیم و هم در جامعه شهری. بدون شک سألۀ بیکاری بانابهنجاریهای اجتماعی ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. اگر بخواهیم جلوی بسیاری از نابهنجاریهای اجتماعی مثل اعتیاد یا چیزهایی شبیه به آن را بگیریم باید اشتغال ایجاد کنیم. خود اشتغال موجب می‌شود که جامعه وضعیت مناسبی پیدا کند و نابهنجاریهای آن کم شود. جوانان در سنین خاصی که مقتضی است ازدواج کنند و بالاخره پیوند زناشویی موجب می‌شود که از نابهنجاریهای اجتماعی کاسته شود.

● نبودن امکانات به ویژه امکانات پژوهش موجب می‌شود که استادان، بیشتر هم و غم خود را به مسایل نظری معطوف کنند.

تحقیقات جامعه‌شناسی دانشگاهها باید بخشی از مشغولیت خود را به مسائل و مشکلات جوانان اختصاص دهند.

دانشگاه انقلاب: استاد، این مشکلات جوانان که می‌فرمائید منظورتان همه مشکلات است، یعنی مشکلات آموزشی و اخلاقی و ... یا چیز خاصی است؟

دکتر وثوقی: در واقع همه چیز مطرح است، مثلاً شما الان ببینید، در مورد مشکلات جوانان، مشکل آموزشی یک مشکل است؛ تعداد



● در امر توسعه و برنامه‌ریزی یکی از مسائلی که کمتر به آن توجه می‌کنیم نیروی انسانی زبده است، همان‌طور که ما می‌خواهیم در بخش کشاورزی و در صنعت خودکفا شویم، در امر نیروی انسانی هم به متخصص نیاز داریم و باید خودکفا شویم.

این امری طبیعی است. ما برای حل مشکلات به تناسب رشد و پیشرفت نگری و آرزوهای شغلی و استعدادهای جوانان باید کوشش کنیم که نیازهای آنها را برآورده نمائیم. یعنی اینها الان نسل کامپیوتر هستند. نسل تکنولوژی مدرن هستند. ما باید بتوانیم استعدادهایشان را در راه رسیدن به جامعه بهتر و پیشرفته‌تر به کار اندازیم و حیف است که ما از این استعدادها استفاده نکنیم. ما باید الان در وضعیتی باشیم که بتوانیم حتی در تمام روستاها دبیرستان دخترانه داشته باشیم که بعدها بتوانیم از وجود افراد و استعداد آنها به صورت کارشناسان، معلمان، پرستاران، بهاران و دارندگان دیگر تخصص‌ها در سطح روستاها استفاده کنیم.

اگر به مجموع این مسائل توجه نکنیم، در آینده گرفتار معضل بیکاری خواهیم شد که بیکاری هم خودش مایه انواع فسادها و ناهنجاریهای اجتماعی می‌شود. ضمن اینکه اگر به استعدادهای جوانان ایرانی پروبال دهیم، در آینده احتیاج به نیروی کار متخصص خارجی کم

می‌شود. ما الان نیروی کار متخصص در سطح دانشگاهها، آموزش و پرورش و صنایع کم داریم. در آینده به شرط انجام این برنامه‌ها از نیاز به متخصص خارجی به شدت کاسته خواهد شد و از این نظر هم ما خودکفا خواهیم گشت. در این امر توسعه و برنامه‌ریزی یکی از مسائلی که کمتر به آن توجه می‌کنیم نیروی انسانی زبده است. همان‌طور که ما می‌خواهیم در کشاورزی و در صنعت خودکفا شویم، در امر نیروی انسانی هم به متخصص نیاز داریم و باید خودکفا شویم. حالا این متخصص چه در رشته‌های علوم اجتماعی باشد چه در رشته‌های فنی و پزشکی، ما باید امکانات داشته باشیم که تمام این استعدادها را به کار بگیریم و در آینده از آنها استفاده کنیم و این مشکلی است که فقط خاص ما نیست. جهان سوم با مشکل جوانان روبروست، از جمله مشکلات بیکاری و کمبود رفاه. ولی هم‌اکنون با توجه به اینکه وابستگی‌های سیاسی ما به دنیای غرب از بین رفته و خود را کشور مستقلی می‌دانیم باید با آگاهی بیشتری برای پروراندن استعدادهای نهفته و نهان خویش تلاش کنیم.

دانشگاه انقلاب: از شما متشکریم که در این مصاحبه شرکت کردید.